

مقایسه اثر سه ماده اچ کننده پرسن (PHA-APF-HF) بر روی

استحکام برشی باند کامپوزیت - پرسن

دکتر حمید کرمانشاه*[†] - دکتر محمد جواد خرازی فرد** - دکتر هلنا یشاریم***

*استادیار گروه آموزشی ترمیمی دانشکده دندانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی، درمانی تهران

**مشاور آمار و تحقیقات دانشکده دندانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی، درمانی تهران

***دندانپزشک

Title: Effect of three porcelain etchants type (HF-APF-PHA) on porcelain- composite shear bond strength

Authors: Kermanshah H. Assistant Professor*, Kharazi Fard MJ. Research Consultant**, Yesharim H. Dentist

Address: *Department of Operative Dentistry, Faculty of Dentistry, Tehran University of Medical Sciences

** Faculty of Dentistry, Tehran University of Medical Sciences

Statement of Problem: Porcelain restorations are susceptible to fracture and a common method for repairing is the use of silane and composite on etched porcelain. Although HF is very effective in porcelain etching but has detrimental effects on tissues.

Purpose: In this study, the effect of APF and PHA was compared with HF in porcelain etching. Also the role of silane, unfilled resin and dentin bonding in bond strength of composite- porcelain was evaluated.

Methods and Materials: In this experimental in-vitro study, one-hundred twenty porcelain square blocks (5×5×2 mm) were prepared and bonding surfaces of each sandblasted. Samples were divided into three groups. The first group (n=40) were etched with buffered HF 9.5% (Ultradent) for 1 min., the second group (n=40) were etched with Iranian APF 1.23% (Kimia) for 10 minutes and the third group (n=40) were etched with Iranian PHA 37% (Kimia) for 1 min. Ultradent silane was applied on the surfaces of half of cases in each group. On the surfaces of half of silane-treated samples unfilled resin was applied and dentin bonding was used on the surfaces of the remaining. Samples without silane were treated in a similar manner. Composite cylinder with 4mm diameter and 2 mm height was bonded to porcelain. Specimens were stored in 37°C distilled water for 24 hours and subjected to 500 cycles. Shear bond strength was measured with an Instron machine and type of fracture was evaluated using a stereomicroscope. Results were analyzed using 3 way ANOVA, Kaplan- Maier and Tukey HSD tests.

Results: Findings showed that PHA and APF roughened the porcelain surface without creating retentive micro undercuts but HF etches porcelain and creates retentive microundercuts. Ultradent silane had no significant effect on bond strength of porcelain- composite. Unfilled resin with Ultradent silane compared with dentin bonding with the same silane is more effective in bond strength of composite- porcelain.

Conclusion: Based on present study, application of Ultradent silane on sandblasted and etched porcelain with PHA or APF cannot be used as an alternative to this silane on sandblasted and etched porcelain with HF.

Key Words: Porcelain; Etching; Silane; Bonding agent; Hydrofluoric acid; Acidulated phosphated fluoride; Phosphoric acid; Adhesive; Shear; Strength

Journal of Dentistry. Tehran University of Medical Sciences (Vol. 18; No. 1; 2005)

[†] مؤلف مسؤول: دکتر حمید کرمانشاه: آدرس: تهران - دانشگاه علوم پزشکی تهران - دانشکده دندانپزشکی - گروه آموزشی ترمیمی تلفن: ۶۴۰۲۶۴۰ داخلی: ۲۲۲۶

دورنگار: ۶۴۰۱۱۳۲

چکیده

بیان مسأله: ترمیم‌های پرسلنی بسیار مستعد شکستگی هستند و یکی از راههای ترمیم آنها استفاده از کامپوزیت و سایلن بر روی پرسلن اچ شده است؛ از طرفی، برخی از مطالعات، اچ کننده معمول و کارای پرسلن یعنی اسید هیدروفلوئوریک را برای بافتهای بدن مضر دانسته‌اند.

هدف: مطالعه حاضر با هدف ارزیابی تأثیر دو ماده Aciduted Phosphated Fluoride (APF) و Phosphoric Acid (PHA) بر روی پرسلن در مقایسه با Hydro Fluoric Acid (HF) و نیز تأثیر Unfilled Resin و Dentin Bonding بر استحکام باند کامپوزیت پرسلن انجام شد.

روش بررسی: در این مطالعه تجربی، ۱۲۰ بلوک پرسلنی به ابعاد $5 \times 5 \times 2$ میلی‌متر تهیه شد و سطح باند بلوک‌ها سندبلاست گردید؛ سپس نمونه‌ها به سه گروه چهل تایی تقسیم شدند؛ گروه اول با HF ۹/۵٪ اولترادنت به مدت یک دقیقه اچ شد؛ گروه دوم با APF ۱/۲۳٪ ایرانی کیمیا به مدت ۱۰ دقیقه و گروه سوم با PHA ۳۷٪ ایرانی کیمیا به مدت یک دقیقه اچ شد؛ سپس در هر گروه، در سطح نیمی از نمونه‌ها سایلن اولترادنت به کار برده شد و در سطح نیم دیگر از سایلن استفاده نشد. در مرحله بعد به نیمی از نمونه‌های دارای سایلن Unfilled Resin و به نیم دیگر Dentin Bonding زده شد؛ در مورد نمونه‌هایی که سایلن نداشتند نیز به همین منوال عمل شد؛ یعنی بر سطح نیمی از نمونه‌های فاقد سایلن هر گروه Unfilled Resin و بر سطح نیم دیگر Dentin Bonding به کار برده شد؛ سپس بر روی تمام نمونه‌ها استوانه کامپوزیتی به ابعاد 4×2 میلی‌متر گذاشته شد. نمونه‌ها به مدت ۲۴ ساعت در آب مقطر ۳۷ درجه سانتیگراد نگهداری شدند و سپس ۵۰۰ سیکل حرارتی را گذراندند و پس از آن در دستگاه اینسترون، استحکام باند کامپوزیت- پرسلن مورد آزمون قرار گرفت. پس از آن نوع شکست با استفاده از استریومیکروسکوپ با بزرگنمایی ۴۰ برابر تعیین گردید. داده‌ها با استفاده از آزمونهای آماری 3 Way ANOVA، Kaplan- Maier و Tukey- HSD و با سطح معنی‌داری $P < 0/05$ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

یافته‌ها: در بررسی سطح پرسلن‌های اچ شده، مشخص شد که PHA و APF فقط قادرند به طور مختصری سطح پرسلن را خشن سازند و هیچ میکرواندرکاتی برای بهبود استحکام باند پرسلن- کامپوزیت ایجاد نمی‌کنند؛ در حالی که HF بخوبی سطح پرسلن را اچ می‌کند و میکرواندرکات‌هایی برای گیر ایجاد می‌کند؛ همچنین با توجه به نتایج حاصل از آزمون استحکام برشی باند نمونه‌ها، HF در بهبود استحکام باند پرسلن- کامپوزیت نقش داشت ($P < 0/05$) اما سایلن اولترادنت هیچ نقش معنی‌داری در بهبود استحکام باند کامپوزیت- پرسلن نداشت ($P > 0/05$).

نتیجه گیری: با توجه به نتایج حاصل از مطالعه حاضر کاربرد سایلن اولترادنت بر روی سطح پرسلن سندبلاست شده و اچ شده با PHA یا APF نمی‌تواند جایگزین کاربرد همین سایلن بر روی سطح سندبلاست شده و اچ شده با HF گردد.

کلید واژه‌ها: پرسلن؛ اچینگ؛ سایلن؛ عامل باندینگ؛ اسید هیدروفلوئوریدریک؛ فلوراید فسفات‌ه اسیدی؛ اسید فسفریک؛ استحکام برشی

(, ,) ,

مقدمه

لامینیت پرسلن استفاده می‌شود و عامل اساسی در موفقیت این تکنیک پیوستگی بین پرسلن و کامپوزیت است. از سوی دیگر پیشرفتهایی که در طرحهای به کارگیری رایانه (CAD)* و طرحهای تولید به کمک کامپیوتر** (CAM)

با افزایش استفاده از ترمیم‌های پرسلنی در دندانپزشکی به دلیل خصوصیتی از قبیل زیبایی، دوام و سازگاری مطلوب با مخاط دهان، شاهد افزایش تعداد موارد شکستهای پرسلنی می‌باشیم و در نتیجه نیاز به ترمیم شکستگیهای پرسلنی بیشتر می‌شود؛ از طرفی امروزه به طور وسیعی از روش

* - Computer- Assisted Design (CAD)

** - Computer-Assisted Manufacture (CAM)

است (۸،۷)؛ همچنین در مطالعاتی که به روشنی ثابت شده که می‌توان کاربرد APF همراه با سایلن را جایگزین کاربرد HF همراه با سایلن کرد (۹)، نوع سایلن با سایلن مورد نظر در مطالعه حاضر متفاوت بوده است؛ در این مطالعه اثر APF بر پرسلن نیز بررسی شد تا از نظر کلینیکی کم خطرترین و درعین حال مؤثرترین اچانت برگزیده شود؛ از سوی دیگر در این مطالعه اثر دنتین باندینگ نسل پنجم با Unfilled Resin در استحکام باند پرسلن- کامپوزیت بررسی شد.

روش بررسی

در این مطالعه تجربی، ۱۲۰ بلوک پرسلنی به شکل مکعب مستطیل و به ابعاد ۵×۵×۲ میلی‌متر ساخته شد. حجم نمونه با توجه به مطالعه مشابه انجام شده (۸) و با در نظر گرفتن $\alpha=0/05$ و $\beta=0/2$ ، $7/29$ محاسبه شد. به منظور بالا بردن توان مطالعه از ۱۰ نمونه در هر گروه استفاده گردید. برای ساخت هر بلوک، یک صفحه فلزی از جنس آلیاژ نیکل- کروم به شکل مربع با ابعاد ۵×۵ میلی‌متر و ضخامت تقریبی ۰/۳ میلی‌متر تهیه شد. تمام مراحل کستینگ همانند تهیه Frame Work انجام شد. صفحه‌های فلزی، مولت زده شد، در آب مقطر جوشانده و دگازه شد و پس از آن اکسید آلومینیوم زده شد؛ پس از آن اوپک‌گذاری روی صفحه فلزی انجام شد. اوپک پرسلن با مارک CeramcoII به رنگ C بود.

پخت پرسلن، برای تمام بلوک‌ها در دو نوبت انجام شد. در پخت اول به دلیل حجم زیاد پودر، مقداری Shrinkage ایجاد شد که در پخت دوم جبران گردید. تمام مراحل پخت پرسلن در کوره Vaccumat 200 ساخت کارخانه آلمانی Vita انجام گرفت. در نهایت سطح بلوک‌های پرسلنی با هندپیس Low Speed مولت زده شد و برای جبران ترک‌های احتمالی ایجاد شده در پرسلن، همه بلوک‌ها Glaze شدند.

حاصل شده است، میانبری در طی مسیر قالبگیری معمولی تا کستینگ و تهیه ترمیم‌های پرسلنی محسوب می‌گردد (۱) و برای باند این نوع ترمیم‌ها به دندان آماده‌شده استفاده از سمان‌های رزینی توصیه می‌شود؛ به همین دلیل انتخاب مؤثرترین و کم‌خطرترین روش برای ایجاد باندی مستحکم بین کامپوزیت و پرسلن اجتناب‌ناپذیر است. با وجود این که HF (اسید هیدروفلوئوریک) در اچ کردن پرسلن بسیار مؤثر است ولی به دلیل اثرات زیان‌بار آن بر روی پوست، لثه و ششها کاربرد آن خطرناک می‌باشد (۲)؛ بنابراین استفاده از مواد کم‌خطرتری مثل APF*** و بویژه اسید فسفریک که در تمام مطب‌های دندانپزشکی در دسترس است (۴،۳) اگرچه به تنهایی کارایی لازم را نخواهد داشت ولی اگر همراه با سایر مواد همچون سایلن‌ها، اثرات مشابهی با کاربرد HF داشته باشد، می‌تواند در ترمیم رستوریشن‌های پرسلنی و نیز کاربرد پرسلن لامینت‌ها بسیار مفید واقع شود.

نتایج مطالعات Lu و همکاران (۵) و Kamada و همکاران (۶) نشان داد که به کار بردن سایلن به همراه اسید فسفریک، استحکام برشی باند کامپوزیت و پرسلن را بهبود می‌بخشد و تمام شکست‌ها، از نوع Cohesive خواهد بود. لازم به ذکر است که در مطالعه این محققان سطوح آماده‌شده با HF و PHA مورد مقایسه و ارزیابی قرار نگرفته و فقط نقش سایلن مورد نظر بوده است.

تحقیق حاضر با هدف مقایسه اثر این دو اسید در اچ کردن پرسلن انجام شد؛ همچنین تأثیر سایلن اولترادنت نیز مورد بررسی قرار گرفت؛ البته در مورد اخیر، به هیچ گزارش و یا مقاله‌ای دست نیافتیم.

در برخی از تحقیقات، شکست‌های cohesive مکرر در نمونه‌های پرسلنی به هنگام انجام آزمون استحکام برشی باند، مانع از رسیدن به نتایجی واقعی در مورد تفاوت استحکام باند بین نمونه‌های آماده شده با HF و APF همراه با سایلن شده

*** Acidulated Phosphated Fluoride

Coltolux 75 نور تابانده شد؛ پس از آن کامپوزیت هیبرید لایت کیور Heliomolar محصول شرکت Vivadent به رنگ A¹ با شماره سریال E44605 برای باند با بلوک پرسلنی به کار برده شد. کامپوزیت به شکل استوانه‌ای به قطر ۴ و ارتفاع ۲ میلی‌متر بود که این حجم از کامپوزیت به وسیله لوله‌های لاستیکی شفاف با همین قطر و ارتفاع کنترل شد و عمل کیور کامپوزیت از ورای آن صورت گرفت. به هنگام جدا کردن این ماتریکس لاستیکی از گروه ۵، یک نمونه و از گروه ۱۲ دو نمونه دبانده شد.

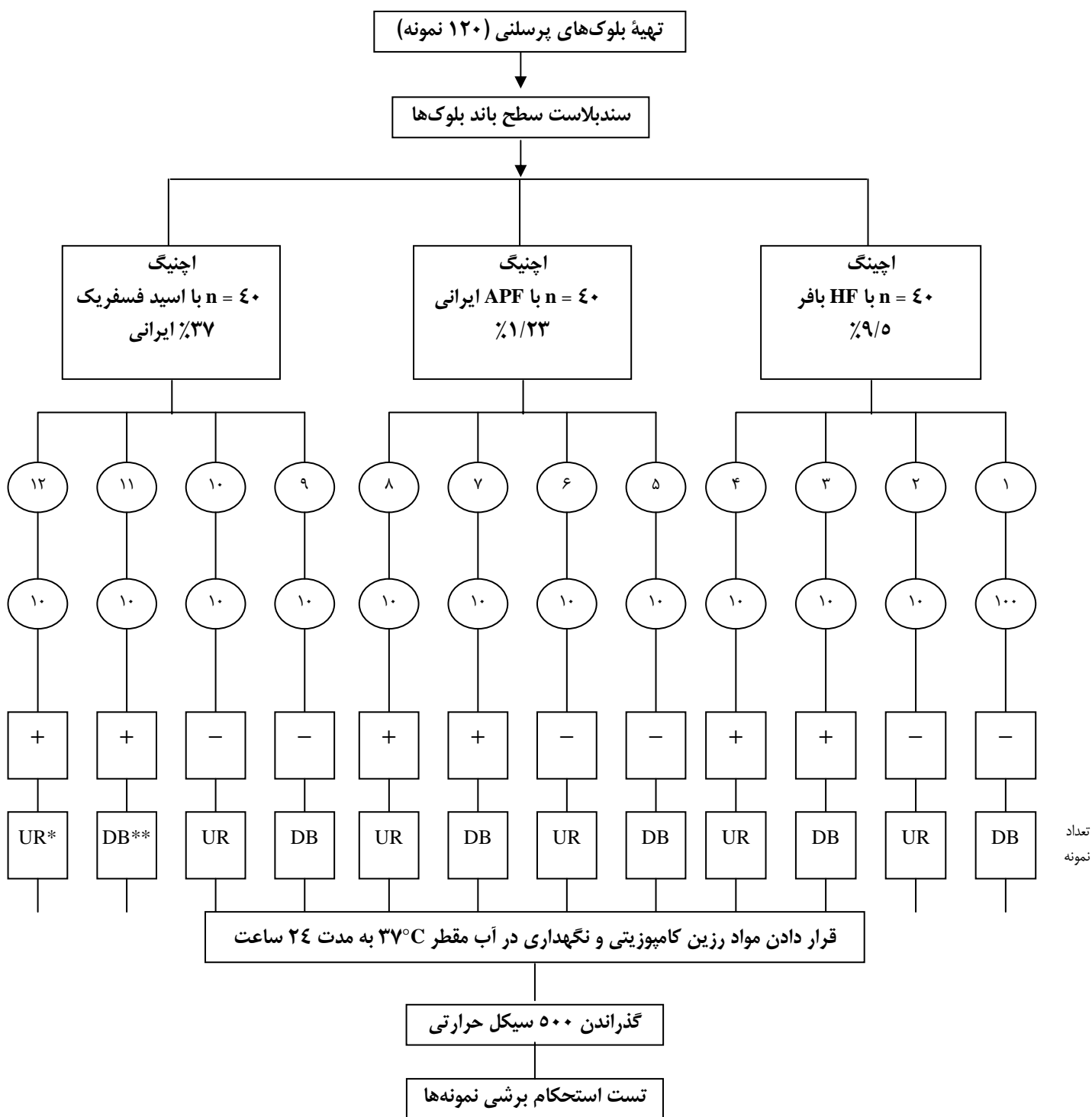
در مرحله قبل همه نمونه‌ها در مولدهای آکریلی هم اندازه قرار گرفتند؛ سپس تمام نمونه‌ها در آب مقطر (محصول کارخانجات باتری‌سازی نیرو) ۳۷°C که دمای آن توسط Incubator بخش میکروبیولوژی دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران کنترل می‌شد، به مدت ۲۴ ساعت قرار داده شد. نمونه‌ها ۵۰۰ سیکل حرارتی را گذراندند؛ دستگاه ترموسایکلینگ ساخت مرکز تحقیقات دانشکده دندانپزشکی دانشگاه شاهد و دارای حمام آب گرم ۵۵ ± ۲ درجه سانتیگراد و حمام آب سرد ۵ ± ۲ درجه سانتیگراد بود. زمان قرارگرفتن نمونه‌ها در هر کدام از حمامها ۴۰ ثانیه و زمان جابه‌جایی نمونه‌ها ۲۰ ثانیه بود (شکل ۱).

پس از ترموسایکلینگ از هر یک از گروههای ۵، ۶، ۹ و ۱۲ یک نمونه دبانده شد. آزمون استحکام برشی باند نمونه‌ها، توسط دستگاه اینسترون ۱۱۹۵ ساخت کشور انگلستان که متعلق به آزمایشگاه خواص مکانیکی مواد دانشکده متالورژی دانشگاه تهران بود، صورت گرفت. تیغه با سرعت ۰/۵ میلی‌متر بر دقیقه با زاویه ۹۰° به حد واسط کامپوزیت پرسلن نیرو وارد می‌کرد (شکل ۲) و همزمان منحنی‌های مربوط به هر نمونه توسط دستگاه رسم شد؛ سپس نیروهای به‌دست آمده بر حسب نیوتن به سطح مقطع نمونه‌ها برحسب میلی‌متر مربع تقسیم شد و استحکام باند برشی هر نمونه بر حسب مگاپاسکال محاسبه گردید.

سطح باندینگ همه بلوکهای پرسلنی توسط ذرات اکسید آلومینیوم ۱۵۰ میکرونی به مدت ۱۵ ثانیه و تحت فشار ۴ بار سندبلاست شد. یک‌سوم بلوک‌ها (۴۰ عدد) با اسید هیدروفلوئوریک بافر ۹/۵٪ ساخت شرکت اولترادنت با نام تجاری Porcelain Etch و شماره سریال 1-800-552-5512 اچ شدند. مدت زمان اچ طبق سفارش تولیدکننده ۱ دقیقه بود. یک‌سوم دیگر (۴۰ عدد) با ژل APF محصول شرکت ایرانی کیمیا با غلظت سدیم فلوراید ۱/۲۳٪ و شماره سریال O2A3 اچ شدند. زمان اچ با ژل APF، ۱۰ دقیقه بود. یک‌سوم دیگر (۴۰ عدد) با ژل اسید اچ محتوی ارتوفسفریک اسید ۳۷٪ ساخت شرکت ایرانی کیمیا با شماره سریال ۰۱۰۷۲۰۱۸ به مدت ۱ دقیقه اچ شدند.

بعد از اچ کردن، بلوک‌ها با آب شسته و با پوار هوا خشک شدند؛ بلوک‌های اچ‌شده با HF به چهار گروه ۱، ۲، ۳، ۴، بلوک‌های اچ‌شده با APF به چهار گروه ۵، ۶، ۷، ۸ و بلوک‌های اچ‌شده با PHA به چهار گروه ۹، ۱۰، ۱۱ و ۱۲ تقسیم شدند. (هر گروه دارای ۱۰ بلوک بود). پس از آن به نمونه‌های گروههای ۳، ۴، ۷، ۸، ۱۱ و ۱۲ سایلن زده شد. سایلن محصول شرکت اولترادنت با شماره سریال ۱-۸۰۰-۱۲۵۵۲-۵۸ بود و ترکیبات فعال آن عبارت بودند از: Methacryloxy Propyltrimethoxy Silane و Isopropanol و غلظت تقریبی آن ۹۲٪ بود. طبق توصیه این شرکت، سایلن به مدت یک دقیقه روی سطح باندینگ باقی ماند و سپس با پوار هوا خشک شد.

در مرحله بعد به گروههای ۱، ۳، ۵، ۷، ۹ و ۱۱، دنتین باندینگ نسل پنجم با مارک Excite با شماره سریال E42366 و به گروههای ۲، ۴، ۶، ۸، ۱۰ و ۱۲ Enamel Bonding با مارک Coltene Margin Bond با شماره سریال MB003 زده شد؛ سپس به سطح باندینگ به مدت چند ثانیه پوار هوا زده شد و به مدت ۲۰ ثانیه با دستگاه

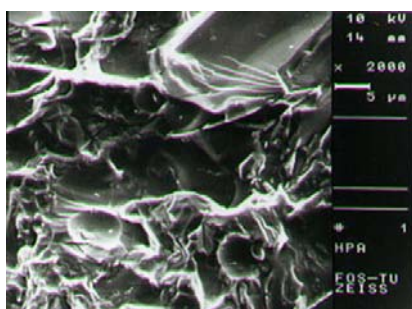


* UR: unfilled resin
** DB: dentin bonding

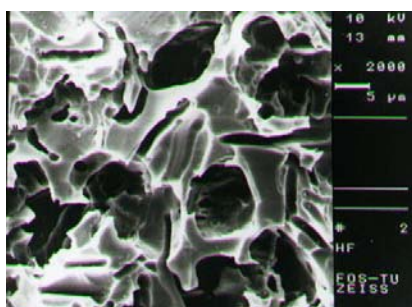
شکل ۱- دیاگرام تهیه نمونه‌ها



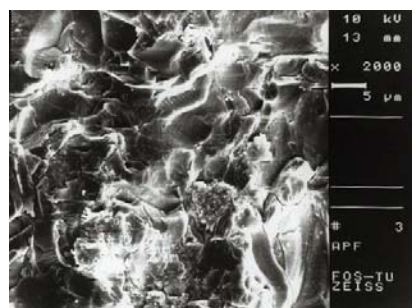
شکل ۲- نحوه ورود نیرو بر نمونه کامپوزیت- پرسلن



شکل ۳- فتومیکروگراف سطح پرسلن اچ شده با اسیدفسفریک ۳۷٪ به مدت ۱ دقیقه (بزرگنمایی ۲۰۰۰ برابر)



شکل ۴- فتومیکروگراف سطح پرسلن اچ شده با HF ۹/۵٪ به مدت ۱ دقیقه (بزرگنمایی ۲۰۰۰ برابر)



شکل ۵- فتومیکروگراف سطح پرسلن اچ شده با APF ۲۳٪ به مدت ۱۰ دقیقه (بزرگنمایی ۲۰۰۰ برابر)

برای تعیین نوع شکست پس از تست استحکام برشی باند، نمونه‌ها با استریومیکروسکوپ (با بزرگنمایی ۴۰ برابر) متعلق به بخش آسیب‌شناسی دانشکده دندانپزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران بررسی شدند؛

شکست ۵۰٪ یا بیشتر از سطح باندینگ در توده پرسلن Cohesive و کمتر از ۵۰٪ Adhesive تلقی گردید.

به شکستهایی که در محل اتصال پرسلن و فلز صورت گرفته بود، Metal- Porcelain و به شکستگی‌ای که در طی آن نمونه از آکريل خارج شده بود، شکست آکريل اطلاق گردید. سه نمونه پرسلنی که سطح آنها، سندبلاست شده بود و با هر یک از اچانتهای HF، APF، و PHA اچ شده بودند و نیز یک نمونه پرسلنی که فقط سندبلاست شده بود (شاهد)، با استفاده از SEM بررسی شدند (شکل‌های ۳ تا ۶) تا اثربخشی این سه اچانت بر روی پرسلن مشخص شود. اطلاعات به دست آمده از آزمون استحکام برشی باند نمونه‌ها وارد نرم‌افزار آماری SPSS شد. برای آنالیز واریانس گروه‌ها از آزمون 3Way ANOVA، برای بررسی اثر نوع اسید از آزمون Tukey- HSD و برای دخیل کردن اثر نوع شکست، از روش Kaplan- Maier و آزمون مقایسه‌ای Log rank استفاده گردید.

یافته‌ها

در گروه ۵، یک نمونه و در گروه ۱۲، دو نمونه پس از باند کامپوزیت به پرسلن در مرحله حذف ماتریکس لاستیکی کامپوزیت، دبانده شدند؛ همچنین در گروه‌های ۵، ۶، ۹ و ۱۲ بعد از ترموسایکلینینگ از هر گروه، یک نمونه دبانده شد.

میانگین استحکام برشی باند گروه‌های اچ شده با HF، APF، و PHA در جدول ۱، ارائه شده است؛ آزمون آماری Tukey-HSD نشانگر وجود اختلاف معنی‌داری بین استحکام باند گروه‌های اچ شده با HF و گروه‌های اچ شده با دو اسید دیگر بود ($P < 0/05$) ولی اختلاف معنی‌داری بین

استحکام باند گروه‌های اچ شده با PHA و APF وجود نداشت ($P > 0.05$). مقایسه میانگین استحکام برشی باند گروه‌های دارای سایلن و گروه‌های فاقد سایلن با استفاده از آزمون آماری 3 Way ANOVA نشان داد که نقش سایلن اولترادنت در بهبود استحکام باند پرسلن- کامپوزیت معنی‌دار نبود ($P > 0.05$) (جدول ۲).

میانگین استحکام برشی باند در گروه‌های دارای Dentin Bonding، $8/692 \pm 0/380$ و در گروه‌های دارای Unfilled Resin، $10/519 \pm 0/380$ بود و آزمون آماری 3Way ANOVA اختلاف معنی‌داری را بین این دو گروه نشان داد ($P > 0.05$)، (جدول ۳)؛ جدول ۳ بیانگر اثر متقابل رزین و سایلن، رزین و اسید، سایلن و اسید، رزین و سایلن و اسید بر روی استحکام برشی باند کامپوزیت- پرسلن است و معنی‌دار بودن یا نبودن اثر هر کدام از عوامل مورد بحث در مطالعه را بر روی این استحکام نشان می‌دهد.

مقایسه فتومیکروگراف‌های به دست آمده از بررسی SEM حاکی نشان داد که HF قادر به ایجاد حفره‌هایی گیردار در سطح پرسلن می‌باشد ولی APF و PHA فقط باعث ایجاد خشونت‌های سطحی و همولوگ در سطح پرسلن می‌شوند که گیردار نیستند (شکل‌های ۳ تا ۶).

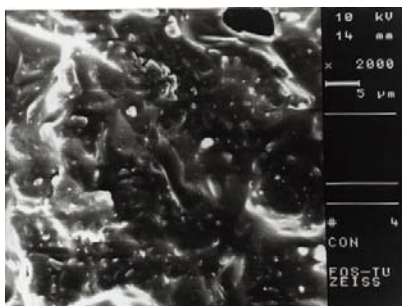
بحث

با توجه به نتایج حاصل از بررسی SEM و آزمون استحکام برشی باند در گروه‌های مختلف می‌توان به این نتیجه رسید که HF با یا بدون سایلن قادر به ایجاد استحکام برشی باند قابل قبولی در محل اتصال کامپوزیت- پرسلن می‌باشد؛ به طوری که بیشتر شکست‌های اتفاق افتاده در نمونه‌های اچ شده با HF از نوع Cohesive بود ($62/5\%$) و $22/5\%$ موارد شکست در محل اتصال فلز به پرسلن صورت گرفت؛ از سوی دیگر این نتایج نشانگر عدم ایجاد گیر قابل قبول در سطح پرسلن توسط دو نوع اچانت دیگر یعنی APF،

استحکام باند گروه‌های اچ شده با PHA و APF وجود نداشت ($P > 0.05$). مقایسه میانگین استحکام برشی باند گروه‌های دارای سایلن و گروه‌های فاقد سایلن با استفاده از آزمون آماری 3 Way ANOVA نشان داد که نقش سایلن اولترادنت در بهبود استحکام باند پرسلن- کامپوزیت معنی‌دار نبود ($P > 0.05$) (جدول ۲).

میانگین استحکام برشی باند در گروه‌های دارای Dentin Bonding، $8/692 \pm 0/380$ و در گروه‌های دارای Unfilled Resin، $10/519 \pm 0/380$ بود و آزمون آماری 3Way ANOVA اختلاف معنی‌داری را بین این دو گروه نشان داد ($P > 0.05$)، (جدول ۳)؛ جدول ۳ بیانگر اثر متقابل رزین و سایلن، رزین و اسید، سایلن و اسید، رزین و سایلن و اسید بر روی استحکام برشی باند کامپوزیت- پرسلن است و معنی‌دار بودن یا نبودن اثر هر کدام از عوامل مورد بحث در مطالعه را بر روی این استحکام نشان می‌دهد.

مقایسه فتومیکروگراف‌های به دست آمده از بررسی SEM حاکی نشان داد که HF قادر به ایجاد حفره‌هایی گیردار در سطح پرسلن می‌باشد ولی APF و PHA فقط باعث ایجاد خشونت‌های سطحی و همولوگ در سطح پرسلن می‌شوند که گیردار نیستند (شکل‌های ۳ تا ۶).



شکل ۶- فتومیکروگراف سطح پرسلن سندبلاست شده (بزرگنمایی ۲۰۰۰ برابر)

پرسلن اچ شده با PHA باعث ایجاد شکستهای Cohesive در پرسلن می‌شود؛ همچنین به عقیده Lu و همکاران (۵) کاربرد سایلن بر سطوح پرسلنی آماده شده با PHA اختلاف معنی‌داری با کاربرد سایلن بر سطوح اچ شده با HF ندارد؛ البته سایلن‌های به کار رفته در مطالعه ایشان Scotch Prime Ceramic Primer (3M Co.) و Porcelain Repair Primer (Kerr Co.) بود.

جدول ۱- مقایسه استحکام برشی باند در اثر سه نوع اچانت

| اسید | میانگین | خطای معیار | حدود اطمینان ۹۵٪ | |
|------|---------|------------|------------------|-----------|
| | | | حد تحتانی | حد فوقانی |
| HF | ۱۵/۳۰۷ | ۰/۴۶۶ | ۱۴/۳۸۴ | ۱۶/۲۳۰ |
| APF | ۷/۲۰۷ | ۰/۴۶۶ | ۶/۲۸۴ | ۸/۱۳۰ |
| PHA | ۶/۳۰۳ | ۰/۴۶۶ | ۵/۳۸۰ | ۷/۲۲۶ |

جدول ۲- متوسط استحکام برشی باند نمونه‌های دارای سایلن و فاقد سایلن

| سایلن | میانگین | خطای معیار | حدود اطمینان ۹۵٪ | |
|-------|---------|------------|------------------|-----------|
| | | | حد تحتانی | حد فوقانی |
| خیر | ۹/۴۸۲ | ۰/۳۸۰ | ۸/۷۲۸ | ۱۰/۲۳۵ |
| بله | ۹/۷۲۹ | ۰/۳۸۰ | ۸/۹۷۶ | ۱۰/۴۸۳ |

در مطالعه Stewart و Tyka (۷) نیز کاربرد سایلن همراه با اچ کردن سطح پرسلن به وسیله APF جانشین خوبی برای کاربرد سایلن بر سطح پرسلن اچ شده با HF در بهبود استحکام باند کامپوزیت- پرسلن معرفی شد؛ در این مطالعه نیرو به صورت Torsion بر روی نمونه‌ها وارد شد؛ نحوه قرارگیری نمونه‌ها در دستگاه به نحوی بود که تعدادی از نمونه‌ها دچار شکست Cohesive و به همین دلیل از مطالعه حذف شدند؛ بنابراین پس از این مطالعه قابل استناد نیست و نمی‌توان نتایج آن را دلیلی بر رد نتایج مطالعه حاضر دانست.

در مطالعه Lacy و همکاران (۹)، کاربرد سایلن همراه با اچ به وسیله APF، جانشین کلینیکی خوبی برای HF همراه با سایلن معرفی شد که تفاوت نتیجه با مطالعه حاضر را می‌توان به تفاوت نوع سایلن‌های آزمایش شده و APF نسبت داد؛ زیرا در مطالعه حاضر از سایلن اولترادنت که به نظر هیدرولیز نشده و در نتیجه غیرفعال می‌آید، استفاده شد ولی در مطالعه Lacy از سایلن 3M استفاده گردید که در Prehydrolyzed بودن آن شکی نیست.

نتایج مطالعه Kamada و همکاران (۶) نشان داد که کاربرد دو نوع سایلن Panavia 21 و Clapearl بر روی

جدول ۳- بررسی اثر متغیرهای مورد بحث بر روی استحکام برشی باند کامپوزیت- پرسلن

| Source | Type III Sum of Squares | Df | Mean Square | F | Sig. | Partial Eta squared |
|----------------------|-------------------------|-----|-------------|----------|-------|---------------------|
| Corrected Model | ۲۳۵۶/۷۲۳ | ۱۱ | ۲۱۴/۲۴۸ | ۲۴/۷۰۱ | ۰/۰۰۰ | ۰/۷۱۶ |
| Intercept | ۱۱۰۷۲/۰۷ | ۱ | ۱۱۰۷۲/۰۶۸ | ۱۲۷۶/۵۲۷ | ۰/۰۰۰ | ۰/۹۲۲ |
| Resin | ۱۰۰/۲۲۹ | ۱ | ۱۰۰/۲۲۹ | ۱۱/۵۵۶ | ۰/۰۰۱ | ۰/۰۹۷ |
| silane | ۱/۸۳۸ | ۱ | ۱/۸۳۸ | ۲۱۲/۰ | ۰/۶۴۶ | ۰/۰۰۲ |
| Acid | ۱۹۶۶/۵۴۲ | ۲ | ۹۳۸/۲۷۱ | ۱۱۳/۳۶۴ | ۰/۰۰۰ | ۰/۶۷۷ |
| Resin * Silane | ۴/۶۳۷ | ۱ | ۴/۶۳۷ | ۵۳۵/ | ۰/۴۶۶ | ۰/۰۰۵ |
| Resin * Acid | ۱۰۳/۴۰۷ | ۲ | ۵۱/۷۰۴ | ۵/۹۶۱ | ۰/۰۰۴ | ۰/۰۹۹ |
| Resin * Acid | ۱۶۶/۲۱۹ | ۲ | ۸۳/۱۰۹ | ۹/۵۸۲ | ۰/۰۰۰ | ۰/۱۵۱ |
| Resin * silane* Acid | ۱۳/۸۵۰ | ۲ | ۶/۹۲۵ | ۰/۷۹۸ | ۰/۴۵۳ | ۰/۰۱۵ |
| Acid | | | | | | |
| Error | ۹۳۶/۷۴۸ | ۱۰۸ | ۸/۶۷۴ | | | |
| Total | ۱۴۳۶۵/۵۴ | ۱۲۰ | | | | |
| Corrected Total | ۳۲۹۳/۴۷۰ | ۱۱۹ | | | | |

کارخانه (Original)، PLM* (Porcelain liner M) و TCP* (Tokuso Ceramic Primer) در استحکام برشی باند کامپوزیت- پرسلن بررسی شد؛ نتایج این مطالعه نشان داد که وقتی MPTS/ETOH- γ (با ساختار γ - Methaeryloxy Propyl Trimetoxo Silane)، بدون این که با یک محلول اسیدی مخلوط شود، بر سطح پرسلن به کار برده شود، هیچ نوع باند سایلوکسان مؤثری بر سطح پرسلن شکل نمی‌گیرد؛ به عبارت دیگر واکنش بین گروههای متوکسی (Si-OCH₃) سایلن MPTS- γ و گروههای OH سطح پرسلن به وسیله عمل کاتالیزوری اسید شروع و تسریع می‌شود؛ بنابراین در مورد این سایلن، نقش اصلی در بهبود استحکام باند بر عهده گیرهای میکرومکانیکال ناشی از اچینگ پرسلن به وسیله HF است و خشونت ایجاد شده به وسیله اسیدفسفریک برای ایجاد گیر میکرومکانیکال کافی نیست؛ در حالی که دو سایلن دیگر مورد مطالعه یعنی TCP و PLM علاوه بر MPTS/ETOH- γ دارای اسید آلی نیز هستند، این اسید تشکیل باندهای سایلوکسان بین سایلن و پرسلن را افزایش می‌دهد و اتصال بین کامپوزیت رزین و پرسلن را تسهیل می‌کند؛ بنابراین این دو نوع سایلن بدون نیاز به گیرهای میکرومکانیکال ناشی از اچینگ HF قادر به ایجاد باندهای قوی بین پرسلن پالیش شده و کامپوزیت هستند که متوسط این استحکام باند حدود ۱۱ مگاپاسکال است؛ در حالی که در مورد سایلن MPTS/ETOH- γ همراه با HF قدرت باند حدود ۹/۸ مگاپاسکال است (۱۰).

در کالانمای سایلن اولترادنت مورد استفاده در این تحقیق، ترکیبات Isopropanol و Methacryloxy Propyl Trimethoxy Silane ذکر شده که با سایلن کارخانه (Original) (MPTS/ETOH- γ) مشابه است؛ بنابراین بقیه نتایج ناشی از مطالعه را بر اساس ترکیب ماده

شایان ذکر است که متوسط استحکام برشی باند در نمونه‌های دارای فقط سایلن 3M، ۱۷/۵ مگاپاسکال و نمونه‌هایی که با HF اچ شده و سایلن 3M زده شده، ۱۹/۵ مگاپاسکال بود؛ (در این مطالعه این نوع سایلن، پس از کاربرد ۳۷٪ PHA به مدت ۶۰ ثانیه و شستن سطح پرسلن به کار برده شد؛) در حالی که همین نتایج در مورد سایلن Kerr (که قبل از شستن اسیدفسفریک، بر سطح به کار برده شد تا به این طریق هیدرولیز و فعال شود) ۱۳/۱ مگاپاسکال و در مورد نمونه‌های آماده شده با HF و سایلن Kerr، ۱۶/۴ مگاپاسکال بود و بر این اساس اختلاف معنی‌داری بین این دو نوع سایلن ذکر شده است. ظاهراً سایلن 3M، از پیش هیدرولیز (Prehydrolyzed) شده و به این علت فعال است ولی سایلن Kerr، Prehydrolyzed نشده و به همین دلیل هم قبل از شستن اسیدفسفریک بر سطح پرسلن به کار برده می‌شود تا هیدرولیز گردد؛ اما احتمالاً این هیدرولیز کافی نیست و این روش کاربرد سایلن نیز مانع Wetting مطلوب سطح توسط آن می‌گردد و به همین دلیل اختلاف معنی‌داری بین این دو نوع سایلن ذکر شده است. البته لازم به ذکر است که در این مطالعه نمونه‌هایی که فقط با اسیدفسفریک و سایلن آماده شده‌اند، اچ نشده محسوب شدند؛ زیرا میکروگراف‌های حاصل از بررسی آنها با SEM حاکی از اچ‌نشدن سطح پرسلن به وسیله PHA است ولی بررسی SEM نمونه‌های آماده شده با HF، نشانگر اچینگ پرسلن با HF است که به صورت تخلخل‌های هم شکل و میکرواندرکاتهایی قابل رؤیت است؛ پس در این بخش نیز می‌توان عدم دستیابی به باند قابل قبول در نمونه‌های آماده شده با اسیدفسفریک و سایلن را در مطالعه حاضر به ناتوانی اسیدفسفریک در اچ پرسلن و عدم فعال بودن (عدم از پیش هیدرولیز شدن) سایلن مورد مطالعه نسبت داد.

در مطالعه Aida و همکاران (۱۰) نقش سه نوع سایلن تجربی با نامهای اختصاری MPTS/ETOH- γ (ساخت

* Sun Medical Co., Kyoto, Japan

* Tokyama Soda Co., Tokyo, Japan

می‌توان توجیه نمود.

است را می‌توان چنین توجیه کرد که چون سایلن‌های از قبل هیدرولیز نشده به هنگام کاربرد در سطح پرسن سه مولکول متانول تولید می‌کنند و بدین وسیله آب سطحی را تبخیر می‌کنند، بنابراین با سیستم‌های ادهزیو حاوی HEMA (مانند Dentin Bonding مورد مطالعه) تا حدودی تداخل ایجاد می‌کنند ولی با سیستم‌های ادهزیو فاقد HEMA (مثل Margin Bond در مطالعه حاضر) تداخل ایجاد نمی‌کنند و به همین دلیل باند مطلوب‌تر و محکم‌تری ایجاد می‌کنند.

با توجه به یافته‌های این مطالعه می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که:

- خشونت‌های ایجاد شده بر سطح پرسن توسط APF و PHA برای ایجاد گیر میکرومکانیکال کافی نیست.

- سایلن Ultradent، نقش معنی‌داری در بهبود استحکام باند کامپوزیت - پرسن ندارد.

- کاربرد APF یا PHA همراه با سایلن Ultradent (فعال نشده) هیچ یک نمی‌تواند جایگزین کاربرد HF و سایلن بر سطح پرسن شود.

- به هنگام استفاده از سایلن‌های هیدرولیز نشده Margin Bond نسبت به Exite استحکام باند مطلوب‌تری در اتصال کامپوزیت به پرسن ایجاد می‌کند.

تشکر و قدردانی

این تحقیق با حمایت مالی معاونت پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی تهران و در قالب یک طرح تحقیقاتی به انجام رسید که بدین وسیله مراتب تشکر و قدردانی اعلام می‌گردد.

- این سایلن به دلیل نداشتن اسید در ترکیب خود، غیرفعال است؛ پس به تنهایی نقشی در استحکام باند کامپوزیت-پرسن ایفا نمی‌کند و عمل آن متکی به گیر میکرومکانیکال ناشی از اسپینگ پرسن با HF است.

در مورد تأثیر اسید در فعال کردن سایلن اولترادنت می‌توان به این یافته اشاره کرد که فقط در گروه‌های اچ شده با APF، کاربرد سایلن باعث بهبود استحکام باند شد که البته از نظر آماری معنی‌دار نبود ولی در گروه‌هایی که با PHA و HF اچ شده‌اند، این بهبود مشاهده نشد.

شایان ذکر است که در مطالعه مشابهی (۸) گزارش شد که این سایلن فقط در گروه‌های اچ شده با APF باعث بهبود استحکام باند شده و در گروه‌های اچ شده با HF این بهبود رخ نداده است. این تفاوت در تأثیر سایلن در گروه‌های مختلف را می‌توان چنین توجیه کرد که چون ویسکوزیته ژل APF (ایرانی) نسبت به دو اچانت دیگر زیادتر است، در مدت زمان شستشوی یکسان نسبت به دو اسید دیگر به خوبی از سطح پرسن شسته نشده (به طوری که حتی در برخی از نمونه‌ها ته رنگ نارنجی مربوط به APF پس از آزمون استحکام برشی دیده می‌شود) و همین امر با توجه به اسیدیته ژل APF باعث شده که سایلن اولترادنت در حضور APF باقیمانده در سطح، هیدرولیز شده و فعال‌تر شود و بنابر این در بهبود استحکام باند کامپوزیت-پرسن نقش داشته باشد؛ با توجه به این بخش از نتایج می‌توان بر غیرفعال بودن و از پیش هیدرولیز نشده بودن سایلن اولترادنت تأکید کرد.

- این نتیجه که Unfilled Resin در استحکام برشی باند کامپوزیت-پرسن مؤثرتر از Dentin Bonding نسل ۵

منابع:

- 1- Roberson TM, Heyann HO, Swift EJ. Sturtevant's Art & Science of Operative Dentistry. 4th ed. USA: Mosby; 2002.
- 2- Canay S, Hersek N, Ertan A. Effect of different acid treatments on a porcelain surface. J Oral Rehabil 2001; 28 (1): 95-101.
- 3- Kamada K, Yoshida K, Atsuta M. Effect of ceramic surface treatments on the bond of four resin luting agents to a ceramic material. J Prosthet Dent 1998;79(5): 508-13.

- 4- MC Donald RE. Dentistry for the Child and Adolescent. 7th ed. St.Louis: Mosby; 2000.
- 5- Lu R, Harcourt JK, Tyas MJ, Alexander B. An investigation of the composite resin/porcelain interface. Aust Dent J 1992; 37(1): 12-9.
- 6- Kamada K, Yoshida K, Atsuta M. Effect of ceramic surface treatments on the bond of four resin luting agents to a ceramic material. J Prosthet Dent 1998; 79(5): 508-13.
- 7- Tylka DF, Stewart GP. Comparison of acidulated phosphate fluoride gel and hydrofluoric acid etchants for porcelain-composite repair. J Prosthet Dent 1994; 72(2): 121-7.
- ۸- کرمانشاه، حمید (استاد راهنما)؛ مجتبابی، سید شاهرخ. مقایسه اثر نوع ماده اچ کننده پرسلن (APF و HF) بر استحکام برشی باند کامپوزیت- پرسلن. پایان نامه شماره ۳۸۴۵ دندانپزشکی، دانشکده دندانپزشکی. دانشگاه علوم پزشکی تهران، ۱۳۸۰.
- 9- Lacy AM, LaLuz J, Watanabe LG, Dellings M. Effect of porcelain surface treatment on the bond to composite. J Prosthet Dent 1988; 60(3): 288-91.
- 10- Aida M, Hayakawa T, Mizukawa K. Adhesion of composite to porcelain with various surface conditions. J Prosthet Dent 1995; 73(5):464-70.